

## نقش زنان در عصر تنزیل

پروین دخت جهان کهن<sup>۱</sup>

### چکیده

پژوهش حاضر نقش سیاسی، نظامی و اجتماعی زنان را در عصر تنزیل مورد بررسی قرار می‌دهد. این دوره از آغاز مبعوث شدن پیامبر(ص) تا زمان رحلت ایشان را در بر می‌گیرد. در این عصر حوادث و رویدادهای مهمی چون اسلام آوردن مردم شبه جزیره عربستان، بیعت با پیامبر(ص)، هجرت و غزوات و سریه‌ها رخ داده، که با بررسی در متون اصلی تاریخی، شواهد و مدارکی از اسلام آوردن، حضور و فعالیت زنان در این حوادث و رویدادها ارائه شده است. این شواهد و مدارک تنها محدود به نقش سیاسی زنان نیست، بلکه این متون نشان می‌دهد که احکام اسلام و سیره نبوی مشوق و موافق حضور و فعالیت زنان در تمامی عرصه‌های اجتماعی بوده که در متون دینی و تاریخی مورد اشاره قرار گرفته است. این مطالعه به شیوه تحلیلی - توصیفی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای در صدد بررسی نقش زنان در عصر تنزیل می‌باشد.

کلید واژه‌ها: تنزیل، نقش، محمد(ص)، زنان. *پژوهش‌های علمی انسانی و مطالعات فرهنگی*  
پرتال جامع علوم انسانی

---

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام دانشگاه شیراز

## مقدمه

جاهلیت، گونه‌ای از حیات بشری است که با کنار رفتن عقل و عدم حاکمیت آن بر قلمرو وجود، حضور و سلطه می‌یابد. قرآن کریم زمان قبل از اسلام و ایامی را که بشر از منبع وحی دور بوده و با جهل خود راه می‌پیموده است، به نام «جاهلیت اولی» می‌نامد تبعات و عوارض چنین رویدادی در همه عناصر اجتماع و همه عرصه‌های حیات خود را می‌نماید، لیکن در این میان زنان، که در هر جریانی (مثبت یا منفی) تأثیر پذیرترند، و شاخص مظاهر فرهنگ هر زمان می‌باشند، معرف ایام بربریت نیز هستند. در میان اعراب رفتارهای وحشیانه و غیرانسانی نسبت به زنان شهرت بیشتری دارد و نگاه به زن با سوانح دلخراش روبرو بود و زن وسیله‌ای در جهت ارضای شهوت و کار و زندگی بوده است و این شهرت یا به دلیل وضعیت اجتماعی و اقتصادی حاکم بر آن سرزمین است، که اکثراً مجبور به کوچ‌نشینی و دوره‌گردی بودند، و یا جنگ‌ها و درگیری‌های پی‌درپی، آن را سبب می‌شد و یا به میمنت ظهور اسلام، تفاوت فاحش این اوضاع با وضعیت ناشی از تعالیم والای این دین بوده که بروز و جلوه بیشتری به آن داده است.

از نمونه بربریت و جاهلیت حاکم در میان اعراب در برخورد آنان با زنان، می‌توان به برخی ازدواج‌های مرسوم آن دوران که زنان هیچ نقشی در تعیین همسر و زندگی زناشویی خود نداشتند و تبعات آن بی بندوباری اخلاقی بوده و همچنین زنده به گور کردن دختران، اشاره کرد. از آن‌جا که هدف از بعثت انبیاء علاوه بر این اصل عمومی یعنی توجه مردم به خدا و عبادت و یکتا پرستی، اصلاح جامعه و زدودن کژی‌ها از آن و هدایت آن بسوی حق و عدالت و نظم است، بعثت پیامبر اسلام در جامعه جاهلی عربستان با همین فلسفه اتفاق افتاد. از جمله مواردی که بعثت پیامبر (ص) و ظهور اسلام به اصلاح وضع آن پرداخت، مسئله زنان است.

با ظهور اسلام زن هویت واقعی خویش را باز یافت و احساس وجود و در نتیجه ابراز وجود کرد. اسلام زن را یکی از خشت بناهای جامعه محسوب داشت و آزادی عمل و اراده بخشید و زنان از دیدگاه اسلام از کلیه حقوق انسانی برخوردار شدند. یکی از این حقوق حضور در عرصه‌ی سیاسی و اجتماعی و فعالیت کردن همدوش مردان است. با این نگاه اسلام به زن و مُبلغ آن در جامعه یعنی پیامبر(ص)، زنان در عصر تنزیل یا همان عصر نبوت وارد عرصه‌های سیاسی و اجتماعی و نظامی شدند.

مهم‌ترین نمودهای سیاسی این ورود پیشگامی زنان در پذیرش اسلام، بیعت، هجرت، امان دادن و حج؛ نمودهای نظامی آن مسئله غزوات و سریه‌ها، و نمودهای اجتماعی آن هم فعالیت‌های اقتصادی، علمی و تبلیغی و کمک به فقراء (که یکی از شئون اجتماعی) بوده است. کم و بیش کتب و مقالاتی در مورد زنان در تاریخ اسلام به نگارش درآمده است که بعضی در مورد یک یا دو شخصیت و یا بیشتر، قلم زده‌اند. مثل کتاب *زینب بانوی قهرمان کربلا* اثر عایشه بنت‌الشاطی، *درسهایی از زندگانی زنان نامدار در قرآن و حدیث* نوشته احمد بهشتی. بعضی از این منابع هم تنها به بررسی جایگاه و نقش تعدادی از زنان در یک بُعد پرداخته‌اند. مثل *حضور نظامی زنان در صدر اسلام* اثر جلالی کندی. ولی مقاله حاضر به شیوه توصیفی و تحلیلی به بررسی نقش و عملکرد تعداد زیادی از زنان در یک دوره مهم از تاریخ اسلام و در ابعاد مختلف پرداخته است که کمتر مورد توجه دیگران بوده است.

بررسی نقش زنان در تاریخ اسلام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و این اهمیت زمانی ملموس‌تر می‌شود که بدانیم در دوران حیات پیامبر(ص)، زنان با گرفتن مجوز از دین مبین اسلام و سیره نبوی، وارد عرصه‌های سیاسی و اجتماعی شدند. امروزه می‌توان با بررسی نقش زنان در تاریخ اسلام، آنان را به عنوان الگویی برای زنان مسلمان معرفی نمود.

### وضعیت زنان در عصر جاهلیت

با مطالعه آثار اندیشمندان و صاحب نظران در تاریخ جاهلیت، درباره اوضاع زن، به دو رویکرد می‌رسیم. گروهی معتقدند که زن در عصر جاهلی، جایگاه ممتازی داشت و نقش فعال و تأثیرگذاری در خانواده و جامعه ایفا می‌کرد و - برخلاف آنچه پنداشته می‌شود اوضاع او روشن و مناسب بود (سعدزغلول، ۱۹۷۶م: ۳۰۸).

بازگشت نسب برخی از قبائل به زنان، شهرت بسیاری از بزرگان و مشاهیر عرب با نام مادرانشان، مشاوره با زنان در امور جنگی و پذیرش امان دادن زنان به جنگ‌جویان دشمن، از دلایل عمده این رویکرد است (عبدالهادی، ۱۹۸۷م: ۳۷۲/۱).

گروه دیگر که شمارشان بیشتر است، با استفاده از اخبار تاریخی متعدد، گزارش تاریک و اسف‌باری از اوضاع زن در خانواده و جامعه، در عصر جاهلی ارائه می‌دهند. این گروه معتقدند؛ آنچه از مطالعه تاریخ جاهلی بر می‌آید، عدم منع زن از حضور او در عرصه‌های اجتماعی مثل عرصه سیاسی، نظامی و ... می‌باشد.

البته مشارکت اجتماعی زن در این عرصه‌ها به شکل رویه‌ای عام و فراگیر نبوده است و به شأن و منزلت آنان در موقعیت خانوادگی یا ثروت یا امتیاز خاص ریشه داشت، وابسته بود؛ هرچه از شأن و رتبه بالاتر و نفوذ بیشتری برخوردار بودند، مشارکت بیشتری داشتند.

دیگری عدم وجود ضوابط و شرایط، در حضور اجتماعی زن در عصر جاهلی بوده است. به طور قطع، شیوع عمل ننگین زنا و دیگر روابط جنسی مردود در جاهلیت، نتیجه روابط بی‌ضابطه زن و مرد و نشانه عدم حریم مناسب بین ایشان است (آمنه، ۱۹۹۶: ۱۴۰؛ جاحظ، ۱۴۱۱ق: ۲/۱۴۸؛ زمخشری، بی‌تا: ۶۲/۳).

به نظر می‌رسد آیات قرآن کریم رویکرد دوم را تأیید می‌کند. در این آیات یا به طور مستقیم اوضاع نابسامان زن در جاهلیت بیان شده و یا ضمن بیان برخی از احکام، به این وضعیت آشفته اشاره شده است.<sup>۱</sup>

ظهور اسلام در شبه جزیره عربستان، زمینه حضور زنان از طبقات و قبایل مختلف را در عرصه‌های اجتماعی فراهم ساخت؛ منتهی براین حضور، ظوابطی قرار داد که منجر به فعالیت‌های سالم و سازنده زنان در عرصه‌های مختلف گردید.

### عصر تنزیل

عصر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را عصر تنزیل می‌گویند. زیرا در این عصر است که قرآن بر ایشان نازل شده است. این دوره از آغاز مبعوث شدن پیامبر (ص) تا زمان رحلت ایشان را در بر می‌گیرد.

در این عصر جریان کفر با داشتن قدرت به مقابله مستقیم با اسلام می‌پردازد. بنابراین، این مقابله مستقیم و مهمتر از همه پیام الهی و انسانی قرآن منجر به حوادث و رویدادهای مهمی چون اسلام آوردن مردم شبه جزیره عربستان، بیعت با پیامبر (ص)، هجرت و غزوات و سریه‌ها می‌شود، که در این حوادث و رویدادها مردان و زنان حضور داشتند. هدف از این پژوهش بررسی نقش زنان در این رویدادهای و فعالیت اجتماعی آنان متأثر از گفتمان نبوی در این عصر می‌باشد.

### نقش سیاسی زنان در عصر تنزیل

زنان از دیدگاه اسلام از کلیه حقوق انسانی اعم از سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به اندازه‌ی مردان بهره‌مندند و زنان در عصر تنزیل با حفظ پوشش و حجاب در جامعه حضوری مثبت و

<sup>۱</sup> - نحل؛ آیه ۵۹-۵۸. تکوی؛ آیه ۸۹. نساء؛ آیه ۲۳. احزاب؛ آیه ۳۳. نسا؛ آیه ۱۹. ن.ر؛ آیه ۳۳.

فعال داشته‌اند. یکی از عرصه‌های حضور آن‌ها، عرصه‌ی سیاسی بوده است که در این پژوهش، نقش سیاسی زنان در عصر تنزیل؛ ذیل پنج عنوان؛ زنان پیشگام دعوت، بیعت، هجرت، امان دادن و مسئله حج مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### الف: زنان پیشگام دعوت

ظهور اسلام و بعثت پیامبر(ص)، فصل نوینی را فراروی زنان گشود؛ فصلی که در آن زنان و مردان برابرند و به صورت یکسان حق رشد و رسیدن به کمال معنوی را دارند. بنابراین تاریخ صدراسلام شاهد حضور چشمگیر زنان در تمامی عرصه‌ها است و اولین عرصه حضور زنان، پذیرش اسلام بوده است و زنان صدر اسلام با پذیرش اسلام و مقاومت در راه اندیشه و عقیده، نه تنها الگویی زنان عصر خود بلکه الگویی تمام زنان جهان قرار گرفتند. در این جا به چند نمونه اشاره می‌شود.

۱- حضرت خدیجه(س): محمد(ص) به وسیله‌ی عمویش ابوطالب به خدمت خدیجه درآمد و در کاروان تجاری ایشان کار می‌کرد. پس از این سفر تجاری بود که خدیجه به ازدواج محمد(ص) درآمد. خدیجه از پیشگام‌ترین زنان در گرویدن به اسلام است (مسعودی، ۱۳۶۵: ۲۱۲؛ ابن‌اثیر، بی‌تا: ۵/ ۴۳۵). وجود او عامل مهمی در حیات پیامبر(ص) و اسلام بوده است. عظیم‌ترین خطری که در ابتدای رسالت رسول خدا(ص) با آن مواجه بود، محاصره‌ی اقتصادی امت بود که اموال خدیجه در واقع کلید شکست این محاصره بود (دخیل، ۱۳۶۲: ۱۶). غیر از اینکه پیامبر(ص) از ایشان راضی و خشنود بودند، خداوند هم از ایشان خشنود بود و صفت رضایت و خشنودی را نصیب ایشان کرد (مجلسی، ۱۳۶۴: ۴۰/۱۰).

۲- سمیه: دختر خباط و کنیز ابن‌ابی‌حذیفه بن مغیره رئیس قبیله‌ی بنی‌مخزوم (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۸/ ۲۴۱؛ محلاتی، بی‌تا، ۴/ ۳۵۳) و مادر عمار یاسر، که متأثر از گفتمان نبوی و تعالیم الهی اسلام، چنان شناختی نسبت به موقعیت انسانی خود یافت که شکنجه‌های بت‌پرستان

(ابوجهل) را تحمل کرد و در نهایت در راه اسلام به شهادت رسید و اولین شهید اسلام نام گرفت (ابن سعد، ۱۳۲۱ق: ۸/ ۱۹۳).

۳- لبینه: از زنانی است که در راه اسلام پایداری کرد و هرگونه شکنجه را تحمل نمود. از جمله کسانی که او را شکنجه می‌کرد عمر بن خطاب بود و او عمر را زیر شکنجه موعظه می‌کرد: که اگر مسلمان نشوی خداوند نسبت به تو بدتر از این روا می‌دارد که تو به من روا می‌داری (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۸/ ۸۸۸-۸۸۷).

۴- زبیره: زنی است از طایفه بنی‌مخزوم، به جرم اسلام آوردن ابوجهل او را شکنجه می‌داد (همان: ۸/ ۸۸۸).

#### ب: بیعت

مسلمان شدن افراد و بیعت آنان از مسایل مهم در ترسیم رابطه‌ی پیامبر(ص) با مسلمانان است. بیعت با مردان به کرات در منابع گزارش شده و بررسی‌های زیادی در مورد آن صورت گرفته است. با این حال مبحث بیعت زنان با پیامبر(ص) و اینکه با پیامبر(ص) بیعت می‌شد، نیز نشانگر حضور سیاسی و اجتماعی زنان در صدر اسلام است.

اسلام زن را به عنوان عضو مؤثر جامعه پذیرفته و او را در امر مهم و سرنوشت‌ساز بیعت شریک ساخته است. اسلام زمانی که از زن بیعت گرفت در واقع اعلام کرد که تو یکی از خشت بناهای جامعه اسلامی، باید سهم خود را در استواری و نگهداری این بنا ایفاء کنی.

بیعت به عنوان یکی از حساس‌ترین امور سیاست اسلامی در دوران تنزیل، تابعی از اسلام‌پذیری و ادامه‌ی آن بوده و زنان در موقعیت‌های مختلف با بیعت کردن، ورود خود را به حیطه‌ی مسلمانی، تعهد و وفاداری خود به اسلام را به طور عملی اعلام می‌کردند.

در واقع مسلمانان با بیعت بیان می‌داشتند که در هر شرایطی و در هر زمینه‌ای از اوامر رهبری اطاعت خواهند کرد. در تمامی بیعت‌هایی که افراد با پیامبر(ص) و پس از آن با ائمه(ع)

داشتند، می‌دانستند که اگر با رهبر بیعت نمایند حق تکرروی و مخالفت با رهبری را ندارند. بیعت‌کننده جان و تابعیت خود را در اختیار کسی که با او بیعت می‌شد، قرار می‌داد. پس این قید و شرایط تنها نسبت به مردان نبود، بلکه نسبت به زنان هم جاری بود. زنان هم مانند مردان جان و تابعیت خود را در اختیار فردی که با او بیعت می‌شد قرار می‌دادند. ازجمله مصادیق آن زینب بنت جحش می‌باشد.

زینب از اشراف‌زادگان قریش بود که به خواست خداوند متعال و پیامبر (ص) برخلاف میل باطنی و با وجود فاصله‌ی طبقاتی که با زید بن حارثه غلام و پسرخوانده‌ی پیامبر (ص) داشت، به ازدواج با زید تن داد، هر چند این ازدواج دوام نیاورد و به طلاق انجامید.

بیعت زنان هم در عصر مکی و هم عصر مدنی اتفاق افتاد. اما بیعت در عصر مکی بیش از این که کارکرد اجتماعی (یعنی حضور زنان در امر مهم جامعه؛ یعنی دین) داشته باشد، کارکرد سیاسی داشت، که هدف از آن حفظ دین در زمانی بود که فشارهای متعددی از جانب قریش و دیگران بر مسلمانان وارد می‌شد.

سوالی که مطرح است این‌که؛ بیعت زنان چگونه می‌توانست از فشار قریش و دیگر کفار جلوگیری کند یا در حفظ دین مؤثر باشد؟

در پاسخ به سؤال فوق باید گفت دو پایه‌ی اصلی یا دو کفه‌ی اصلی هر خانواده از زن و مرد تشکیل شده است، که هم فکر و هم عقیده بودن این دو کفه‌ی ترازو نقش مهمی در پیشبرد و حفظ آرمان‌های خانواده دارد. واضح است در صورتی که یکی از کفه‌های این ترازو با کفه‌ی دیگر هماهنگ نباشد ایجاد خلل می‌کند. پس بیعت زنان و اسلام آوردن آنان به عنوان یکی از کفه‌های ترازوی خانواده می‌توانست نقش مهمی در پشت‌گرمی و استواری مرد خانواده و پابندی او به بیعتش داشته باشد، چنان‌که بسیاری از زنان صدر اسلام چنین بودند، مانند اسماء بنت عمیس (ابن‌هشام، ۱۹۹۶م: ۲۹۰/۱)، فاطمه دختر خطاب (ابن‌سعد، ۱۳۲۱ق: ۸/ ۱۹۵). این



عهد و بیعت‌ها آنها چنان مهم بود که خداوند در قرآن اجر و وفاداران بر بیعت را اجر عظیم توصیف کرده است.<sup>۱</sup>

هرچند بیعت زنان در این عصر بلافاصله بعد از ابلاغ وحی آغاز شد، اما تنها در چند منبع به بیعت زنان اشاره شده است و سایر منابع این موضوع را مطرح نکرده‌اند.

اولین مرحله‌ی بیعت زنان بلافاصله بعد از ابلاغ وحی آغاز می‌شود و تا مهاجرت گروهی از مسلمانان به حبشه ادامه دارد. در این مرحله بیعت زنان نزدیک و خویشاوند متصور است. مانند بیعت حضرت خدیجه که پیشگام زنان در گرویدن به اسلام است (ابن هشام، ۱۹۹۶م: ۲۷۴/۱؛ ابن اثیر، بی تا: ۵/ ۴۳۵) و بعد دختران پیامبر چون رقیه و ام‌کلثوم (ابن‌سعد، ۱۳۲۱: ۸/ ۲۵-۲۴) و زنانی دیگر چون سلمی و اسماء دختران عُمَیس (همان: ۸/ ۲۹-۲۵؛ ابن‌هشام، ۱۹۹۶م: ۱/ ۲۹). این سه بیعت صریح در تاریخ اسلام در دوره نبوت در منابع بیان شده است.

۱- اولین بیعت صریح زنان که به صورت واضح در منابع بیان شده، بیعت زنان در عقبه‌ی اول یا بیعت النساء است. ابن‌اثیر در *تاریخ الکامل* می‌نویسد: در عقبه اول با پیامبر (ص) بیعت زنان کردند، که او را مانند خانواده خود گرامی دارند (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ۲/ ۹۲۰). این بیعت در سال ۱۲ بعثت در زمانی واقع شد که مسلمین به شدت از جانب کفار تحت فشار بودند و پیامبر (ص) دو حامی بزرگ خود حضرت ابوطالب و حضرت خدیجه را از دست داده بودند. در همین زمان چندین تن از اهل یثرب به نزد پیامبر (ص) آمدند و پس از آشنایی با اسلام با آن حضرت بیعت نمودند. در این بیعت زنی به نام عفرات دختر عبید بن ثعلبه حضور داشت (همان، بی تا: ۵/ ۵۰۶). از آن جا که حضور یک زن در امری به این مهمی، آن هم در زمانی که زن از اولین حقوق فردی و اجتماعی خود محروم بود، بسیار شگفت‌آور می‌نمود.

۲- در سال ۱۳ بعثت در موسم حج، هفتاد مرد و دو زن (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۱/ ۳۷۹؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ۲/ ۹۰۶) پس از فراغت از مراسم حج، در عقبه گرد آمدند و با پیامبر (ص) بیعت کردند

<sup>۱</sup> فتح؛ آیه ۱۰.

و این دومین بیعت صریح شناخته شده است. آنان با پیامبر بیعت کردند که؛ دشمن او را دشمن و دوست او را دوست بدانند، و با هر که با وی به جنگ برخیزد جنگ کنند. این بیعت را بیعت‌الحرب نامیدند (همان: ۹۹/۲). این دو زن یکی نسیبه دختر کعب و دیگری اسماء دختر عمرو بن عدی بود (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ۲/۹۰۶). از آن جا که این بیعت بیعت‌الحرب است، یعنی همان مسئولیتی که برای مرد می‌آورد برای زنان بیعت‌کننده نیز می‌آورد.

۳- در واقعه‌ی فتح مکه پیغمبر اکرم (ص) با زنان بیعت نمودند، که آن بیعت را بیعت‌النساء نامیدند (ثعالبی، ۱۴۱۸ق: ۵/۴۲۲). این سومین بیعت صریح شناخته شد. با سقوط پایگاه شرک در مکه، مردم گروه گروه نزد پیامبر (ص) می‌آمدند و با آن حضرت بیعت می‌کردند. در این بیعت تفاوتی بین زن و مرد وجود نداشت و همان‌گونه که مردان با رهبر بیعت می‌کردند زنان نیز بیعت می‌کردند. حضور زنان در این بیعت بسیار گسترده بود و آیه‌ای در این باره نازل شده است.

یکی از زنان پیامبر (ص) می‌گوید: عده‌ای از زنان مومن آمده بودند تا با پیامبر گرامی اسلام (ص) بیعت کنند. وی آنان را با این فرمایش خدای بزرگ آزمایش می‌کرد: «ای پیامبر! هرگاه زنان مؤمن نزد تو آمدند، تا با تو بیعت کنند که چیزی را شریک خدا نگیرند و دزدی نکنند و تن به روسپیگری نسپارند و فرزندان خود را نکشند و افترا و بهتان نزنند و تو را در کارهای نیک نافرمانی نمایند، با آنان بیعت کن و برای ایشان آمرزش بخواه»<sup>۱</sup> هر زن مؤمنی که با قراردادها و شرایط شش‌گانه که در آیه‌ی یاد شده، موافقت می‌کرد، به منزله‌ی این بود، که از رویه‌ی آزمایش سر بلند و پیروز بیرون آمده و چون اقرار می‌کرد، پیامبر (ص) می‌فرمود: «بروید من با شما بیعت کردم» (طبری، ۱۳۸۵: ۳/۶۲). این نخستین جنبش انسانی زنان مکه بود که پس از سال‌ها سختی و تحمل خفت و خواری می‌خواستند به مقام انسانی خویش برسند و به حقوقی دست یابند که خدای بزرگ به ایشان اعطاء کرده بود.

<sup>۱</sup> ممتحنه؛ آیه ۱۲

## ج: هجرت

برای هر انسان مؤمن و غیر مؤمن دل کندن از خانه و کاشانه رنج و غمی بزرگ است، مخصوصاً اگر به جایی که هجرت می‌کند، فقر و فلاکت و بی‌خانمانی در انتظارش باشد و آن سرزمین فرسنگ‌ها از وطن‌اش دور باشد.

گروهی از مردم هستند که گرچه با هدایت فطری‌شان راه ایمان و صلاح را می‌پیمایند، اما به دلیل زیستن و ماندگار شدن در جامعه‌ی کفر، جامعه‌ای که روح عصیانگر در آن غالب است، تحت فشار نهایتاً هم‌رنگ جماعت می‌شوند، یا حتی با تزویر عصیانگران، افراد ضعیف‌الایمان دست از ایمان بر می‌دارند، از آنجا که هدف اسلام جذب حداکثر است، یعنی می‌خواهد این افراد ضعیف‌الایمان از دست نروند، خداوند در چنین شرایطی حکم به هجرت داده است.

در زمان حضور رسول(ص) در مکه، ضرورت ترک جامعه‌ی فاسد و کفرآمیز مکه پیش آمد، که در نتیجه‌ی آن؛ دو هجرت مهم و سرنوشت‌ساز، ولی آمیخته با رنج‌ها، غم‌ها و خطرات پیش آمد. اول به حبشه و دوم به مدینه. ارزش و اعتباری که خداوند برای مهاجرین قایل می‌شود در آیات متعددی از قرآن بیان شده است.<sup>۱</sup>

در این دو هجرت زنان نه تنها به عنوان یک جسم فیزیکی و نه فقط به این خاطر که چون همسران آنان هجرت کرده بودند، اینان هم مجبور به هجرت شدند، بلکه به عنوان یکی از کفه‌های ترازوی جامعه و امت نوپای اسلامی، در این دو هجرت شرکت کردند.

به جرأت می‌توان گفت رنج و غم این هجرت‌ها برای زنان به دلیل لطافت و حساسیت‌های روحی، بسیار بیشتر از مردان بود. در صدر اسلام زنانی بودند که خود مسلمان شده ولی پدر و مادر و خانواده‌ی آنان در کفر مانده بودند. زنانی که در این هجرت بودند، بیشتر از زنان نامدار صدر اسلام بودند، چون اسماء بنت عمیس، ام‌سلمه و ام‌حبیبه.

<sup>۱</sup> توبه؛ آیه ۲۰. نساء؛ آیه ۱۰۰.

**(۱) هجرت به حبشه**

دو دوره هجرت به حبشه را می توان ترسیم کرد: ۱- دوره اول زمانی بود که روزبه روز بر تعداد مسلمانان افزوده می شده، گروهی از مشرکان و کفار قریش به شکنجه و آزار آنان می پرداختند، در نتیجه آنان به دستور پیامبر(ص) به حبشه هجرت کردند. پیامبر(ص) آنجا را برای مهاجرت اصحاب خود از همه جا بیشتر دوست داشتند. چهار زنی که در این مهاجرت حضور داشتند، اینان بودند: رقیه همسر عثمان، دختر پیامبر(ص)، سهله دختر سهل بن عمرو همسر خدیفه بن عتبه ربیعیه، و ام سلمه همراه همسرش ابوسلمه بن الاسد، لیلی دختر ابوحنیمه (یعقوبی: ۱/ ۳۸۵؛ ابن سعد، ۱۳۶۵: ۱/ ۱۹۱ - ۱۹۰).

۲- دوره دوم زمانی بود که در حبشه در بین مسلمانان هجرت کننده شایع شد که کفار دست از آزار و شکنجه ی مسلمانان برداشته اند. عده ای تاب نیاوردند و به مکه بازگشتند، اما در مکه دریافتند که خبر شایعه ای بیش نبوده، بلکه این بار مشرکین زخم خورده بدتر از گذشته، مسلمانان را شکنجه می کردند. تا اینکه مسلمانان دوباره مجبور به مهاجرت به حبشه شدند در این هجرت ۸۳ مرد و ۱۱ زن حضور داشتند (همان: ۱/ ۱۹۳). زنان در این مهاجرت، کسانی چون ام حبیبه (مقدسی، بی تا، ج ۲: ۷۲۸)، اسماء بنت عمیس (همان، ۲: ۷۲۹)، سوده که بعد از اینکه همسرش سُکران مسیحی شد، به ازدواج پیامبر(ص) در آمد (طبری، ۱۳۸۵: ۴/ ۱۲۸۹) و ... بودند.

**(۲) هجرت به مدینه**

پس از پیمان عقبه اول و دوم، همین که سران قریش دانستند که پایگاه تازه ای برای نشر دعوت اسلام آماده شده است و مهم تر از آن، این که مردم مدینه با پیامبر(ص) پیمان جنگ (بیعت الحرب) بسته اند، خطر را بیشتر احساس کردند و این مسأله باعث شد که مشرکین بر شدت آزار و اذیت های خود بیافزایند. مسلمانان نزد رسول(ص) آمده و از آنان شکایت کردند. مشرکین از ماجرا با خبر شده و تا آن جا که می توانستند از رفتن آنان جلوگیری می کردند.

در این هجرت هم حضور زنان به طور فاحشی به چشم می‌خورد. زنان بسیاری از گروه‌های مختلف مردم مکه به مدینه مهاجرت کردند و در این امر مهم اجتماعی مشارکت تعیین‌کننده داشتند.

۱- فاطمه بنت اسد: از امام صادق(ع) روایت است که؛ فاطمه بنت اسد - مادر حضرت علی(ع) - اولین زنی بود که از مکه به مدینه، پیاده به سوی پیامبر(ص) هجرت کرد (کلینی رازی، ۱۳۴۸: ۱/۳۷۷).

۲- حضرت فاطمه(س): دیگر از زنان مهاجر بودند؛ که سه روز پس از هجرت پیامبر(ص) به مدینه، حضرت علی(ع) همراه حرم پیامبر(ص) که حضرت فاطمه(س) همراه آنان بود به مدینه هجرت کردند (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۱/۴۰۰).

۳- امّ کلثوم بنت عقبه ابن ابی معیط: در خانواده‌ای به دنیا آمد که در تاریخ اسلام ننگین و رسوا شناخته شده است. امّ کلثوم، در مقابل پدر و برادرش که از عناصر مخرب بودند، زنی است با ایمان و از شاگردان مکتب رسالت، وی از اولین زنانی است که پای پیاده به مدینه هجرت نمود (ابن سعد، ۱۳۲۱ق: ۸/۱۶۷).

۴- سبیهه اسلمیه: وی بعد از صلح حدیبیه از مردم مکه و خانواده‌ی خویش فرار کرد و به رسول خدا (ص) پناه آورد. شوهر سبیهه که یکی از کفار مکه بود نزد پیامبر(ص) آمد و خواست که زنش را بازگرداند. پیامبر(ص) به ایشان فرمود: «قرارداد ما در مورد مردان است، نه زنان» (همان: ۱/۲۳۹-۲۳۸) به همین جهت زنانی که نزد پیامبر(ص) می‌آمدند، در صورتی که از عهده‌ی امتحان بر می‌آمدند، آن‌ها را بر نمی‌گردانند، چون سبیهه از امتحان سر بلند بیرون آمد، پیامبر خدا (ص) او را در پناه خود گرفت و مهرش را به شوهرش داد (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۲/۳۳۸-۳۳۷).

۵- امّ هشام انصاریه: زنی است که سختی‌های فراوان در راه هجرت به مدینه متحمل شد. از خود امّ هشام نقل شده در راه چنان تشنگی بر من عارض شد که توانم را ربود و مرگ را در

چند قدمی خود می‌دیدم اما با کرامتی از جانب خداوند آبی را یافتم و سیراب شدم (حسون، ۱۴۲۱ق: ۲۲۵).

### ۳) زنان مهاجر به حبشه و مدینه

نکته قابل تأمل این که در بررسی حوادث دوران نبوت، زنانی بودند که در عرصه تحولات تاریخی اقدامات مهمی انجام داده و افتخار شرکت در دو هجرت را داشتند. برخی از این زنان در تاریخ شناخته شده‌اند:

۱- اسماء بنت عُمَیس: همسر جعفر طیار و هر دو از صحابه‌ی رسول اکرم (ص) بودند. پیامبر این زن و نه زن دیگر را که دارای فضایل اخلاقی و ایمان استوار بودند مدح فرموده و آنان را اخوات مومنان لقب دادند (عمادزاده، بی تا: ۳۱۹). اسماء افتخار دو هجرت را دارند. یکی هجرت حبشه و دیگری هجرت مدینه (ابن سعد، ۱۳۲۱ق: ۲۶/۸-۲۵).

۲- امّ حبیبیه: رمله دختر ابوسفیان، نخست زن عبدالله بن جحش بود. زن و شوهر هر دو اسلام آوردند و به حبشه هجرت نمودند. در هجرت اول؛ صاحب دختری به نام حبیبیه شدند به همین خاطر رمله به امّ حبیبیه ملقب شد. چون شوهرش در آنجا در گذشت، با پیامبر (ص) ازدواج کرد. ایشان هم در طول زندگی افتخار دو هجرت داشتند؛ هجرت به حبشه و هجرت به مدینه (همان: ۱/ ۱۹۴-۱۹۳).

۳- امّ سلمه: نام او هند بود و پدرش ابوامیه بود. وی همراه همسرش، عبدالله بن عبدالاسد مخزومی به حبشه مهاجرت کرد (همان: ۶۸/۸). بعد از اینکه شایع شد که در مکه کفار دست از شکنجه مسلمانان برداشته‌اند، این زوج جوان به سرعت به سوی مکه بازگشتند. اما این بار شکنجه از قبل بیشتر شده بود و امّ سلمه و همسرش گرفتار این واقعه شدند. پس از آنکه خداوند برای پیامبرش هجرت به مدینه را اراده کرد، ابوسلمه و همسرش از نخستین مسلمانان بودند که از این هجرت استقبال نموده و افتخار دومین هجرت را برای خود رقم زد (دخیل، ۱۳۶۲: ۹).

## ح: امان دادن

یکی از حقوقی که اسلام برای زنان قایل شد و پیامبر(ص) آن را محترم می‌شمردند، امان دادن از طرف زنان بود، که موارد متعددی از در آن متون تاریخی ثبت و ضبط شده است. مثل امان دادن زینب دختر پیامبر(ص) به همسرش ابوالعاص بعد از جنگ بدر (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۴۳۳/۱؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ۹۹۶/۳). امان دادن امّ حکیم به همسرش در جریان فتح مکه (طبری، ۱۳۸۵: ۱۱۸۸/۳). امان دادن امّ هانی به دو تن از خویشان شوهرش در جریان فتح مکه (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۴۱۹/۱).

## خ: حج

یکی دیگر از عرصه‌های عبادی و سیاسی که زنان مانند مردان در عصر تنزیل در آن حضور می‌یافتند، مسئله حج بوده که با توجه به فضیلت و سفارش آن در قرآن و روایات، اهمیت بسیاری می‌یابد. اولین سفر پیامبر(ص) به کعبه بعد از هجرت به مدینه، در ذیقعدۀ سال ششم هجرت بود که در این سفر چهار زن همراه مسلمانان به حج رفتند: امّ سلمه، امّ عماره، امّ منیع و امّ عامر اشهلی (واقدی، ۱۳۶۲: ۴۳۵/۲). در این سفر مسلمانان موفق به زیارت خانه کعبه نشدند، ولی بر اساس صلح نامه‌ای که با مشرکین مکه بستند، قرار شد که در سال آینده به زیارت خانه خدا مشرف شوند. پس در سال هفتم هجرت عمره‌القضاء صورت گرفت که در این سفر هم حضور زنان را شاهدیم، مثل امّ عماره (همان: ۵۶۲/۲). آخرین سفر پیامبر(ص) در ذیقعدۀ سال دهم هجرت بود که در این سفر همه زنانش همراه وی بودند (ابن‌سعد، ۱۳۲۱: ۱/۸؛ یعقوبی، ۱۳۷۱: ۵۰۲/۸).

### نقش نظامی زنان در عصر تنزیل

در بحث نقش نظامی زنان، نقش آنان را در این عرصه، ذیل دو عنوان ۱- عرصه‌ی نظامی و دفاعی ۲- امور خدماتی و تدارکاتی در جنگ بررسی می‌شود.

#### الف: عرصه نظامی و دفاعی

جهاد و مبارزه علیه دشمن، حفاظت از خانه و کاشانه، خانواده، وطن و داشتن عقیده و مذهب، امری ذاتی و فطری است که در نهاد بشر به ودیعه گذارده شده است و انسان‌ها راضی به تن دادن به ظلم و ستم بیگانه و تجاوز به حریم معتقدات و خانه و خانواده‌اشان نیستند و با هر وسیله ممکن با آن به مبارزه برخوانند خواست. اما همین مبارزه و دفاع هرگاه با عقیده و آرمان صحیح و روشن همراه شود، ارزشمند و متعالی است و بالاترین و مقدس‌ترین مبارزه و جهاد و دفاع هنگامی است که در راه خدا، مذهب و عقیده پاک و درست باشد. از این رو جهاد و مجاهدین در اسلام از مقام بالایی برخوردار و همواره در آیات بسیاری از قرآن ستوده شده است.<sup>۱</sup>

فقها جهاد را بر دو نوع ابتدایی و دفاعی تقسیم کرده‌اند و جهاد ابتدایی را تنها بر مردان آزاد واجب کفایی می‌دانند، و وجوب حکم جهاد ابتدایی شامل زنان، کودکان، پیران و دیوانگان نمی‌شود (محقق حلی، بی تا: ۲۱۰/۹). سؤالی که در این جا مطرح است این که چرا جهاد ابتدایی بر زنان واجب نیست؟ در جواب باید گفت که وجوب جهاد ابتدایی به دلیل توان جسمی کمتر زنان نسبت به مردان و رقت قلبی که دارند از ایشان برداشته شده است.

از آن جا که دفاع از عقیده و ناموس و خانه و زندگی و دارایی، عمل منطقی و مطابق با عقل و فطرت بشری است، جهاد دفاعی بر زنان واجب است. برای روشن شدن حضور زنان در

<sup>۱</sup> بقره: آیه ۲۱۸ . انفال: آیه ۷۲.



عرصه نظامی و دفاعی چندین نمونه از زنانی که در عصر تنزیل در این عرصه فعالیت کردند مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱- صفیه بنت عبدالمطلب: صفیه در جنگ خندق حاضر بود. هرگاه پیامبر(ص) به جنگ می‌رفت، وی همسران و زنان را در منزل حسان بن ثابت نگهداری می‌کرد، زیرا حصار آن از سایر خانه‌ها محکم‌تر بود. در نبرد خندق هم رسول خدا(ص)، اهل و عیال را در خانه‌ی حسان بن ثابت جای داد و این موقعی بود که میان یهودیان بنی قریظه و مسلمانان بر اثر پیمان‌شکنی یهود جنگ بود. یکی از یهودیان اطراف خانه‌ی حسان می‌گشت و زنان را تماشا می‌کرد. صفیه از حسان خواست تا او را دور کند، ولی حسان گفت از عهده‌ی من بر نمی‌آید، صفیه همین که پاسخ او را شنید، برخاست و عمودی برداشت از پناهگاه بیرون آمد و یهودی را کشت (ابن‌سعد، ۱۳۲۱: ۸ / ۲۷-۲۸؛ طبری، ۱۳۸۵: ۳ / ۱۰۸۰-۱۰۷۹؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ۳ / ۱۰۲۲-۱۰۲۱). پیامبر بعد از جنگ او را مانند مردان شمشیرزن از غنایم جنگی سهم داد(بهشتی، ۱۳۶۸: ۷۸/۲). این یک نمونه از جهاد دفاعی زنان در راه دفاع از ناموس و خانه و کاشانه است.

البته لازم به ذکر است که این بانو در جنگ احد هم شرکت داشتند و هنگامی که مسلمین در جنگ احد شکست خوردند، برخاست و با نیزه بر پیشانی افراد فراری می‌زد و می‌گفت چرا پیامبر خدا را تنها گذاشتید؟ (همانجا) در این نبرد صفیه نقش تشویقی و جلوگیری از فرار مسلمین از نبرد را داشت.

۲- نسیمیه: ایشان در جنگ احد شرکت کردند ولی شرکت ایشان در میدان جنگ برای نبرد نبود، بلکه برای آب دادن به جنگجویان بود. زیرا همان‌طور که گفتیم جهاد ابتدایی بر زن واجب نیست، اما هنگامی که سپاه مسلمین متلاشی شد، او سلاح به دست گرفت و به نبرد و دفاع از پیامبر(ص) پرداخت (واقعی، ۱۳۶۲: ۱/۲۷۲) و سیزده زخم برداشت، به طوری که پیامبر(ص) در مورد ایشان فرمودند: امروز مقام نسیمیه از فلان و فلان بالاتر است (ابن‌هشام، ۱۹۹۶: ۳ / ۹۱). فلان و فلان در این روایت ظاهراً راوی معذور بوده است که نام آن‌ها را بیاورد. زیرا معلوم

می‌شود که آن دو نفر از بزرگان قریش بودند و داعیه بر سر داشتند، وانگهی گاهی کنایه از تصریح رساتر است، زیرا تنها این گونه افراد بودند که ذکر نام‌شان در چنین روایتی به اشکال بر می‌خورد و مردم آن‌ها را می‌شناختند. از این رو پیامبر(ص) ناچار بود تقیه کند و نام آن‌ها را بر زبان نیاورد تا با در دسر مواجه نشود.

۳- ام‌سلیم: در جنگ احد شرکت کرد و کارش آب دادن به تشنگان و درمان مجروحین بود (واقعی، ۱۳۶۲: ۱/۲۴۹). در جنگ خیبر هم حضور داشت و به کارهای خدماتی و تدارکاتی می‌پرداخت (همان: ۲/۶۸۵). ام‌سلیم در جنگ حنین نیز شرکت کرد. این زن آنقدر شجاع بود که تذکره‌نویسان هنگامی که می‌خواهند او را بشناسانند، می‌گویند: «الطاعنۃ بالخناجر فی الوقایع و الحرب». یعنی: «در پشامدها و جنگ‌ها خنجرزن» (اصفهانی، بی تا: ۵۷/۲).

#### ب: امور خدماتی و تدارکاتی در جنگ

علاوه بر از زنانی که در عرصه‌ی نظامی سلاح به دست گرفتند و به دفاع برخاستند، زنان دیگری بودند که در این جهاد دفاعی به کارهای خدماتی و تدارکاتی مثل آب دادن و غذا دادن به رزمندگان، مداوای مجروحین و ترمیم مشک‌های سوراخ شده، می‌پرداختند. در این جا چند تن از آنان نام می‌بریم:

۱- حمنه بنت جحش: ایشان نیز در جنگ احد شرکت کرد و به تشنگان آب می‌رساند و مجروحان را مداوا می‌کرد (کحاله، ۱۹۸۲م: ۲۹۶).

۲- ام‌سلیط: در جنگ احد شرکت داشت و مشک‌های آب را به منظور آب‌رسانی به رزمندگان حمل می‌کرد و سوراخ مشک‌ها را که بر اثر اصابت تیر سوراخ شده بود می‌دوخت (واقعی، ۱۳۶۲: ۱/۶۸۵).

۳- فاطمه زهرا(س): حضرت در جنگ احد حضور داشتند و به مجاهدان آب و غذا می‌رساندند و مجروحین را مداوا می‌نمودند (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۱/۵۵۴).

۴- کعبیه دختر سعید اسلمی: برای او در مسجد خیمه‌ای برافراشته بودند و مشغول درمان مجروحین و بیماران بود. پیامبر (ص) برابر یک سرباز از غنایم جنگی به او سهم می‌داد و او را تشویق می‌فرمود. او سعد بن معاذ را که در جنگ خندق مجروح شده بود، تحت درمان قرار داد (بهشتی، ۱۳۶۸: ۵۶/۳).

### نقش اجتماعی زنان در عصر تنزیل

زنان در عصر تنزیل در عرصه اجتماعی حضوری فعال داشته، که ذیل دو عنوان به آن می‌پردازیم: الف. فعالیت اقتصادی؛ ب. فعالیت علمی و تبلیغی. اما قبل از بررسی این دو عنوان، برای نشان دادن تلاش اسلام در تشویق و ترغیب زنان برای کشاندن آن‌ها به عرصه‌ی فعالیت‌های سالم اجتماعی، به روایت زیر بسنده می‌شود.

«خفصه دختر سیرین می‌گوید: روزی زنی در خانه‌ی بنی خلف وارد شده بود. من به دیدن او رفتم، آن زن داستانی نقل کرد که: خواهرم از پیامبر (ص) پرسید: اگر زنی پوششی که خود را با آن بپوشاند نداشته باشد، آیا مانعی دارد که از منزل بیرون نیاید و در امور خیر اسلامی شرکت نکند؟ پیامبر (ص) فرمودند: نه، دوستش باید او را با لباس‌های خود بپوشاند، آنگاه در کارهای خیر و در دعوت مؤمنین حاضر شود» (بخاری، بی‌تا: ۱۱۵).

### الف: فعالیت اقتصادی

اسلام به زن حق مالکیت، اجاره، تصرف، تجارت، کار و کوشش داده است به شرطی که اخلاقش مصون از گزند و ناموسش مصون از غارت باشد. زن در سایه‌ی عنایت اسلام همه‌ی این کارها را به میزان یک انسان رشید و عاقل و عابد و خداشناس می‌تواند انجام دهد (قطب، بی‌تا: ۵۸). چنان‌که خداوند در قرآن می‌فرماید: «لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُواْ وَلِلنِّسَاءِ

نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ»<sup>۱</sup> مردان را نصیبی است از آنچه به دست می‌آورند و زنان را نصیبی. به معنای تلاش مادی و کسب درآمد استعمال شده است که می‌توان برای اثبات مشروعیت فعالیت اقتصادی زنان به آن استناد کرد؛ زیرا اگر کار کردن برای آنان مجاز نبود، آیه‌ی شریف آنان را مالک دست‌رنج خود قرار نمی‌داد. برای نشان دادن فعالیت اقتصادی زنان در عصر تنزیل به چند مورد اشاره می‌شود:

۱- حضرت خدیجه: یکی از بزرگ‌ترین تاجران قریش بود. عده‌ای زیاد از مردم مکه در کاروان تجاری او کار می‌کردند، از جمله‌ی این افراد خود محمد (ص) بود. تجارت خدیجه بعد از ازدواج با رسول خدا (ص) هم ادامه داشت.

۲- زینب بنت جحش: پدرش جحش و مادرش امیمه، عمه‌ی رسول خدا (ص) بود. زینب یکی دیگر از همسران رسول خدا (ص) و از جمله زنان شاغل در عصر تنزیل بودند. او زنی کارگر و صناعت‌پیشه بود و کار می‌کرد و با دست‌مزد خود روزگاری می‌گذراند و حتی از این راه کمک‌های فراوانی به فقرا می‌نمود.

۳- قیله: زنی که به امّ بنی انمار معروف بود. او در دوران پیامبر (ص) ایمان آورد و به کار تجارت و کسب می‌پرداخت و پیامبر (ص) بعضی آداب خرید و فروش را به ایشان بیان کردند (ابن سعد، ۱۳۲۱ق: ۲۲۸/۸).

۴- حسین بن زید هاشمی از امام صادق (ع) روایت کرده است که: زنی به نام زینب عطاره نزد همسران پیامبر (ص) آمد و وقتی پیامبر (ص) وارد خانه شد، به وی فرمود: «منزل ما را خوشبو کردی» زینب عرض کرد: «منزل به بوی شما معطرتر است». پس از این سخنان، پیامبر (ص) برخی از آداب و احکام خرید و فروش را برای وی بیان فرمودند (کلینی‌رازی، ۱۳۴۸: ۱۵۱/۵) چنانچه از این روایت بر می‌آید، نه تنها پیامبر (ص) با اشتغال زینب به عطر فروشی

<sup>۱</sup> نساء؛ آیه ۳۲.

مخالفتی نکرد، بلکه با حسن رفتار خود با وی و با بیان برخی از آداب معامله، او را نسبت به ادامه‌ی آن کار تشویق و ترغیب نمودند.

### ب: فعالیت علمی و تبلیغی

ظهور اسلام و گفتمان نبوی، زن را بعد از آن همه خفت و خواری عصر جاهلیت در هیچ عرصه از عرصه‌های سیاسی و اجتماعی از مرد عقب نگه نداشته و بحث و درس علمی و فعالیت‌های تبلیغی را فقط مختص مردان قرار نداده است. می‌توان ادعا کرد که در این جهت تفاوتی بین زن و مرد قایل نشده است. لذا در قرآن بر جایگاه عالم (اعم از زن و مرد) تاکید کرده و می‌فرماید: خداوند (رتبه) کسانی از شما را که گرویده و کسانی را که دانشمند هستند (برحسب) درجات بلند گرداند.<sup>۱</sup>

ابوسعید خدری نقل می‌کند: زنان نزد رسول خدا (ص) آمدند و عرضه داشتند: مردان تو را احاطه کرده، پس روزی را به ما اختصاص بده؛ پیامبر(ص) روزی را برای آنان مشخص کرد تا در آن روز آنان را موعظه نمایند (بخاری، بی‌تا: ۱۱۵/۱).

بنابراین زنان متأثر از آموزه‌های قرآنی و سیره نبوی، در عصر تنزیل همانند مردان به فعالیت علمی و تبلیغی می‌پرداختند. زنانی مانند:

۱- حضرت خدیجه: در علوم و اطلاعات به کتب روایت معروف است (مجلسی، ۱۳۶۴: ۴۰/۱۰).

۲- از جمله خصلت‌هایی که خداوند به حضرت زهرا (س) داده، خصلت علم و دانش بوده است (همانجا). آن حضرت دارای مصحف بودند. امام صادق(ع) درباره آن مصحف می‌فرماید: مصحف فاطمه مصحفی است سه برابر قرآن است، به خدا یک حرف قرآن هم در آن

<sup>۱</sup> مجادله؛ آیه ۱۱.

نیست: یعنی مطالبی که از نظر ظاهر قرآن و تفسیر آن هست در آن نیست، بلکه از نظر تأویل و معنای قرآن است (کلینی رازی، ۱۳۴۸: ۳۴۸/۱).

۳- فاطمه بنت اسد: این زن فصیح و بلیغ و شاعر، دارای آثار ادبی است که در کتب ادب عربی ضرب‌المثل شده است (عمادزاده، بی تا: ۲۸۱). پس زنان بزرگ هم مانند مردان بزرگ جنبه‌های مختلفی دارند که نمونه‌ی ارزش اجتماعی آنان است.

۴- حسناء: زنی است از طایفه‌ی بنی سلیم و از صحابیات، میانه‌ی قوم و قبیل خود می‌گشت و اسلام تبلیغ می‌کرد و امتیازات آن را به ایشان توضیح می‌داد. آنقدر گفت تا قبیله‌ی خود را آماده کرد آن‌ها به پیشگاه پیغمبر اسلام آمدند و اسلام اختیار کردند (فهیم، بی تا: ۱۶۱-۱۶۲).

۵- ام‌شریک اسدی: وی زنی است که در راه تبلیغات حقه و ارشاد و تنویر افکار عمومی رنج‌ها کشید و شکنجه‌ها دیده است. ام‌شریک از قبیله‌ی قریش و طایفه‌ی بنی عامر است که در مدینه اسلام آورد و تا آنجا که می‌توانست دیگران را نیز به اسلام دعوت می‌کرد. آنقدر در پنهان و آشکار زنان قریش را به اسلام دعوت کرد تا اینکه مردم مکه فهمیدند، او را دستگیر کرده و به تهدید و ارباب و شکنجه‌ی شدید او پرداختند (همان: ۱۹۸-۱۹۷).

### ج: کمک به فقرا

یکی از محوری‌ترین مسایل قرآن کریم، احسان، نیکوکاری و انفاق در راه خداست، که بیش از ۱۰۰ آیه در این موضوعات نازل شده است. مانند: سوره بقره، آیه ۲۶۵ و ۲۷۴. سوره آل عمران، آیه ۹۲ و ۱۳۴.

احسان و نیکوکاری سیره‌ی ثابت و دائمی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) است. اهل بیت (ع) در همه حال به فقرا و تهی‌دستان و حتی کسانی که نیازهای موردی داشتند کمک و احسان می‌کردند و افراد جامعه را هم به این امر مهم اجتماعی تشویق می‌نمودند.

احسان و کمک به فقرا یکی از شئون اجتماعی است که زنان در این مورد هم از مردان عقب نماندند، بلکه بعضی از زنان صدر اسلام چنان در این عرصه پیش رفتند، که برای همیشه نامشان در صفحات تاریخ باقی مانده است. سرآمد این زنان در کمک به فقرا حضرت خدیجه (س) و دخترشان حضرت فاطمه (س) اند.

۱- حضرت خدیجه (س): راجع به احسان حضرت خدیجه (س) در قرآن، آیه‌ی هشت سوره‌ی مبارکه‌ی والضحی آمده است: «وَوَجَدَكَ غَائِلًا فَأُعْتَى»؛ «باز تو را فقیر یافت توانگر کرد» (مجلسی، ۱۳۶۴: ۱۰ / ۳۸).

۲- حضرت فاطمه (س): برای نشان دادن نقش زنان در این زمینه از مسایل اجتماعی و نشان دادن نقش الگویی حضرت زهرا برای دیگران، به طور مختصر و برای دوری از اطاله کلام به چند مورد اشاره می‌شود.

سبط بن جوزی که از دانشمندان منصف اهل سنت است، می‌نویسد: دختر پیامبر (ص) در شب عروسی دو پیراهن داشت: یکی نو که به خاطر عروسی پوشیده بود و دیگری پیراهن کهنه. پیراهن نو را همان شب عروسی به مستمند داد (مجلات، بی تا: ۱۰۶/۴).

ابن سعد به سند از امام علی (ع) روایت می‌کند: «روزی که فاطمه زهرا (س) را به زنی گرفتم، فرش ما پوست گوسفندی بود که شب بر آن می‌خوابیدیم و روز شتر آبکش خود را بر آن علف می‌خوراندیم و جز این شتر خدمتگزاری نداشتیم (ابن سعد، ۱۳۲۱ق: ۱۴/۸). با این همه خویشتن‌داری و زهد، روزی پیغمبر به خانه‌ی ایشان می‌رود و گردنبندی را که علی (ع) از سهم خود خریده بود، بر گردن حضرت فاطمه (س) می‌بیند و می‌گوید دخترم فریفته شدی، که مردم می‌گویند دختر محمد هستی! و لباس جباران بپوشی. حضرت زهرا (س) گردنبند را فروخت و به بهای آن بنده‌ای را آزاد کرد (مجلسی، ۱۳۶۴: ۱۰/۱۰۰). آن حضرت حتی پوست گوسفندی که حسنین بر آن می‌خوابیدند، به سائل عطا کردند (همان: ۱۰/۶۹).

۳- فاطمه بنت اسد: حضرت علی (ع) در معرفی مادرشان فرموده‌اند: «فاطمه بنت رسول الله من تکفیه الداخل و فاطمه بنت اسد تکفیه الحارب». یعنی فاطمه‌ی زهرا مدیر خانه و زندگی بود و مادرم فاطمه مدیر زندگی خانواده و اجتماع بود. فاطمه‌ی زهرا سقایت می‌کرد و حوائج داخلی را برآورده می‌ساخت و خمیر کردن و نان پختن و اداره‌ی امور داخلی زندگی با او بود، و فاطمه‌ی بنت اسد حوائج خانه و حوائج مراجعه‌کنندگان فقیر را بر می‌آورد و به شئون اجتماعی رسیدگی می‌نمود (عمادزاده، بی‌تا: ۲۹۱).

۴- زینب بنت جحش: او زنی نیکوکار بود و زیاد به فقرا کمک می‌کرد. ام‌سلمه همسر دیگر پیامبر (ص) می‌گوید: زینب زنی نیکوکار بود و فقرا زیاد کمک می‌کرد (بهشتی، ۱۳۶۸: ۵۸/۲).

زینب به سال بیست هجری زندگی را بدرود گفت و اولین زن از زنان رسول خداست که از این جهان رفت. پیامبر خدا (ص) فرموده بود: «از میان شما آن کس که دستش از دیگران بلندتر است شتابان‌تر به من خواهد پیوست» (بلاذری، ۱۹۹۶م: ۴۳۶/۱). وقتی دست‌ها را اندازه گرفتند، دست زینب از همه کوتاه‌تر بود به همین جهت هیچ کس حدس نمی‌زد زینب زودتر از دیگران از دنیا برود، هنگامی که زینب از دنیا رفت، فهمیدند که مراد از دست دراز، مراد بذل و بخشش و کمک به مستمندان بوده است (فهیم، بی‌تا: ۹۱).

### نتیجه‌گیری

بررسی تاریخ اسلام در عصر تنزیل گویای آن است که اسلام، خواهان خانه‌نشین کردن زنان نیست و زنان از هر طبقه و قبیله‌ای را، از کلیه‌ی حقوق فردی و اجتماعی برخوردار نموده است. اما مهم‌ترین حق اجتماعی که زن در اسلام از آن برخوردار است، فعالیت در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و نظامی (جهاد دفاعی) هم‌پای مردان است. هر چند حضور زنان در این عرصه‌ها به خاطر فعالیت در عرصه‌ی خانواده کمتر از مردان است، اما زنان مسلمان در عصر



تنزیل، با حفظ پوشش و حجاب که شرط ورود آنان به جامعه بوده است، وارد این عرصه‌ها شدند.

زنان در عرصه‌ی سیاسی حضور خود را با پذیرش اسلام، اعلام کردند. زنان با پذیرش اسلام وارد عرصه سیاسی دیگری شدند که تابعی از اسلام‌پذیری بوده و آن مسأله بیعت است. زنان با بیعت با پیامبر (ص)، نشان دادند که به عنوان یکی از خشت بناهای جامعه نقش مهمی در ساختن جامعه‌ی نوین و ایده‌آل دارند؛ که با حضور در رویداد هجرت، نشان دادند که در ساختن این جامعه‌ی ایده‌آل عزمی راسخ دارند.

با ساختن جامعه‌ی نوین در مدینه، پیامبر (ص) به زنان امتیاز ویژه‌ای اعطاء نمود و آن امتیاز، مسأله‌ی امان دادن به کسانی بود که به زنان مسلمان پناهنده می‌شدند. این موضوع نشانی از نگاه انسانی و احترام‌آمیز اسلام به زن است، و سرانجام با شرکت در مسأله‌ی عبادی و سیاسی حج چون مردان نشان دادند که اسلام راه حضور و فعالیت زنان در تمامی عرصه‌های سیاسی به شرط حفظ پوشش و حریم باز گذاشته است.

در اسلام وجوب جهاد ابتدایی از زنان برداشته شده است، اما در صورت ضرورت، در اسلام جهاد دفاعی بر زنان واجب است. زنان در عصر تنزیل این جبهه را خالی نگذاشته، وظیفه‌ی خود را به نحو احسن انجام داده‌اند.

اسلام در بُعد اجتماعی تفاوتی بین زن و مرد قایل نشده و استعداد زن و مرد را برای حضور و مشارکت در اجتماع برابر دانسته است. بنابراین زنان در عصر تنزیل با گرفتن جواز حضور و فعالیت از قرآن، وارد عرصه‌های اقتصادی و علمی تبلیغی شده و تلاش در جهت کمک به فقرا و رفع فقر از جامعه نموده است. این حضور و فعالیت را پیامبر (ص) با عمل و بیان خود، مورد تأیید و تشویق قرار می‌دادند.

## منابع و مأخذ

## - قرآن.

- آمنه فتن مسکه بر (۱۹۹۶م). *واقع المرأة الحضاری فی ظل الإسلام*، بیروت: الشركة العالمیه للکتاب.
- اصفهانی، حافظ ابونعیم (بی تا)، *حلیه اولیاء*، بی جا: بی نا.
- ابن اثیر، ابوالحسن علی بن ابی الکریم (بی تا)، *اسد الغابه فی معرفه الصحابه*، تحقیق محمد ابراهیم البنا و دیگران، جلد ۵، بیروت: دارالاحیاء التراث العربیه.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۵)، *تاریخ کامل*، ترجمه محمدحسین روحانی، جلد ۱-۲-۳، تهران: اساطیر.
- ابن سعد، محمد بن سعد بن کاتب واقدی (۱۳۶۵)، *طبقات*، ترجمه محمود مهدی دامغانی، جلد ۱، تهران: نشر نو.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۲۱ق)، *الطبقات الکبری*، بتصحیح و طبعه بروکلین، جلد ۸، تهران: مؤسسه النصر.
- ابن هشام (۱۹۹۶)، *السیره النبویه*، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، جلد ۳-۱، بیروت: دارالکتاب عربی.
- بخاری، محمد اسماعیل (بی تا)، *صحیح بخاری*، جلد ۱، بی جا: بی نا.
- بلاذری (۱۹۹۶م). *انساب الاشراف*، تحقیق: سهیل زکار و ریاض زرکلی، جلد ۱، بیروت: دارالفکر.
- بهشتی، احمد (۱۳۶۸)، *درسهایی از زندگانی زنان نامدار در قرآن و حدیث*، جلد ۱-۲-۳، بی جا: انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی.
- ثعالبی (۱۴۱۸ق). *تفسیر ثعالبی (الجواهر الحسان)*. به کوشش عبدالفتاح و دیگران، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- جاحظ، عمر بن محمد (۱۴۱۱ق). *رسائل*. به تحقیق عبدالسلام هارون، بیروت: دارالجمیل.
- حسون، محمد (۱۴۲۱ق)، *اعلام النساء المؤمنات*، ایران: دارالاسوه للطباعه و النشر.
- دخیل، علی محمد علی (۱۳۶۲)، *أم سلمه*، ترجمه فیروز حریرچی، تهران: سپهر.

- \_\_\_\_\_ (۱۳۶۲)، حضرت خدیجه سلام الله علیها، ترجمه فیروز حریرچی، تهران: سپهر.
- \_\_\_\_\_ زمخشری، محمودبن عمر (بی تا)، *الكشاف عن حقائق التنزیل*، تهران: آفتاب.
- \_\_\_\_\_ سعد زغلول، عبدالحمید (۱۹۷۶م)، *فی تاریخ العرب قبل الاسلام*. بیروت: دارالنهضة العربیه.
- \_\_\_\_\_ طبری، محمدبن جریر (۱۳۸۵)، *تاریخ الرسل والملوک*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، جلد ۳، تهران، اساطیر.
- \_\_\_\_\_ عبدالهادی، عباس (۱۹۸۷م). *المراه والاسره فی حضارات الشعوب و أنظمتها*. جلد ۱. دمشق: طلاس.
- \_\_\_\_\_ عمادزاده، حسین (بی تا)، *زنان پیغمبر اسلام*، تهران: ارژنگ.
- \_\_\_\_\_ فهیم، مرتضی (بی تا)، *چهره زن در آئینه قرآن و تاریخ*، بی جا: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- \_\_\_\_\_ قطب، محمد (بی تا)، *جامعه شناسی تاریخی زن*، ترجمه محمدعلی عابدی، تهران: البرز.
- \_\_\_\_\_ کحاله، عمرضا (۱۹۸۲م)، *اعلام النساء فی عالمی العرب و الاسلام*، المجلد الاول، بیروت: مؤسسه الرساله.
- \_\_\_\_\_ کلینی رازی، ابی جعفر محمد بن یعقوب (۱۳۴۸)، *اصول کافی*، ترجمه سید جواد طباطبایی، جلد ۵-۱، تهران: بی نا.
- \_\_\_\_\_ مجلسی، ملا محمد باقر (۱۳۶۴)، *بحار الانوار: در زندگانی حضرت فاطمه (س)*، ترجمه محمد جواد نجفی، جلد ۱۰، بی جا: چاپ اسلامیة.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، جلد ۲-۱۸، بیروت: دارالغرب الاسلامیه.
- \_\_\_\_\_ محقق حلّی، نجم الدین ابوالقاسم جعفر بن شمس الدین (بی تا)، *شراعی اسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، جلد ۹، بی جا: بی نا.
- \_\_\_\_\_ محلاتی، ذبیح الله (بی تا)، *ریاحین الشریعه: ترجمه زنان دانشمند شیعه*، جلد ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- \_\_\_\_\_ مسعودی، ابوالحسن (۱۳۶۵)، *التنبیه والاشراف*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی و فرهنگی.

- مقدسی مطهر بن طاهر (بی تا)، *آفرینش و تاریخ*، مصحح: دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی، ج ۲. بی جا: بی نا.

- واقدی، محمد بن عمر (۱۳۶۲)، *مغازی*، ترجمه محمود مهدی دامغانی، جلد ۲ و ۱، بی جا: مرکز نشر دانشگاهی.

- یعقوبی، احمد بن ابی واضح (۱۳۷۱)، *تاریخ یعقوبی*، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، جلد ۱، تهران: علمی و فرهنگی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی